

نظریه سیستم‌های اجتماعی

مطالعه عملکرد سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان

مریم بختیاریان



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

مجموعه ادب و فکر، هنر ۳۸

نظریه سیستم‌های اجتماعی

مطالعه عملکرد سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان

مریم بختیاریان

(استادیار گروه فلسفه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی)

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: طهرانی

همه حقوق محفوظ است.

- | | |
|----------------------|--|
| سرشناسه: | بختیاریان، مریم، ۱۳۵۲- |
| عنوان و نام پدیدآور: | فلسفه پیچیدگی و نظریه سیستم‌های اجتماعی: مطالعه سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان / مریم بختیاریان. |
| مشخصات نشر: | تهران: هرمس، ۱۳۹۷. |
| مشخصات ظاهری: | سیزده + ۳۳۴ ص. |
| شابک: | 978-964-363-965-5 |
| وضعیت فهرست‌نویسی: | فیا |
| یادداشت: | واژه‌نامه. |
| یادداشت: | کتابنامه: ص. [۳۰۹] = ۳۱۳؛ همچنین به صورت زیرنویس. |
| یادداشت: | نمایه. |
| عنوان دیگر: | عملکرد سیستم هنر از منظر نیکلاس لومان. |
| موضوع: | نظریه سیستم‌ها |
| موضوع: | نظام‌های اجتماعی |
| موضوع: | لومان، نیکلاس، ۱۹۲۷-۱۹۹۸ م. -- نقد و تفسیر |
| موضوع: | لومان، نیکلاس، ۱۹۲۷-۱۹۹۸ م. -- نظام‌های اجتماعی |
| موضوع: | هنر -- تاریخ |
| موضوع: | هنر -- فلسفه |
| رده‌بندی کنگره: | ۱۳۹۴ ۸ ف ۳ ب / Q۲۹۵ |
| رده‌بندی دیویی: | ۰۰۳ |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۴۰۶۲۶۱۵ |

فهرست

پیشگفتار	ته
مقدمه: نظریه سیستم‌ها و تحولات تاریخی آن	۱
اندیشه سیستمی در علوم طبیعی و علوم انسانی	۱
کل‌نگری	۴
تفکر ارگانیستی	۷
سه موج متفاوت نظریه سیستم‌ها در علوم اجتماعی	۹
موج اول	۹
موج دوم	۱۴
موج سوم	۲۲
فصل ۱: نیکلاس لومان و نظریه سیستم‌های او	۲۷
قرابت اندیشه لومان با ساختارگرایی	۳۰
کارکردگرایی و اصل روش شناختی لومان	۳۴
میانی فلسفی نظریه سیستم‌های لومان	۳۸
تلقی لومان از سیستم	۴۴
مفهوم سیستم	۴۶
نظریه سیستم‌های لومان: نظریه تفاوت و تغییر پارادایم	۴۹
تفکیک، تفاوت و تمایز: شرط شناخت سیستم‌ها	۵۳
از اصل تفکیک کارکردی تا پیچیدگی	۵۶
فلسفه پیچیدگی	۶۰
مدرن‌سازی سیستم: نقد عقلانیت روشنگری	۶۴
انتقاد هابرماس از الگوی مدرن‌سازی سیستمی	۶۹

۷۱	عقلانیت سیستمی و انتخاب تطوری
۷۳	نقد آشکال سنتی عقل‌گرایی در برنامه‌ریزی و مهندسی اجتماعی
۷۷	مناسبت میان سیستم‌های روانی و اجتماعی

۸۵	فصل ۲: قابلیت‌های کارکردی سیستم‌های اجتماعی
۸۶	معرفت سیستمی و شرایط تحقق آن
۸۹	تمایز سیستم / محیط
۹۲	مشاهده
۹۵	مشاهده مرتبه دوم
۱۰۰	مشاهده مرتبه دوم و واسازی
۱۰۲	معنا و ابعاد آن: سیستم‌های اجتماعی
۱۰۷	مناسبات تحلیل‌الاعاات
۱۰۹	تاریخ‌گرایی سیستم
۱۱۰	منطق دوارزشی سیستم‌های اجتماعی
۱۱۱	سیستم حقوق
۱۱۳	سیستم اقتصاد
۱۱۶	سیستم سیاست
۱۱۷	سیستم علم
۱۱۹	سیستم دین
۱۱۹	سیستم آموزش
۱۲۰	سیستم هنر
۱۲۱	مدل تفکیکی جامعه مدرن: آرمانی یا واقعی

۱۲۷	فصل ۳: هنر به مثابه سیستم اجتماعی
۱۲۹	عملکرد ارتباطی سیستم هنر
۱۳۳	مناسبت میان ادراک و ارتباط در هنر
۱۳۹	ارتباطات هنری: نوع حقیقی دیگری از مشاهده
۱۴۱	فرم: ابزار مشاهده
۱۴۵	هنرمندان و مخاطبان در مقام مشاهده‌گران هنر
۱۴۹	پیشرفت امکانات مشاهده‌ای هنر و پیامدهای آن
۱۵۲	مطالعه انواع هنر بر حسب تمایزات خاص هنر
۱۵۹	عوامل تأثیرگذار بر گسترش تولید و مفهوم هنر
۱۶۱	رابطه هنر با بازتولیدپذیری و تکنولوژی

تفکیک کارکردی و ماهیت اجتماعی هنر مدرن	۱۶۴
استقلال از دین، سیاست و اقتصاد و تحولات ساختاری هنر	۱۷۰
تحولات ساختاری هنر پس از تحولات نظام دلالتی آن	۱۷۷
برتری نظام نشانه‌ای بر نظام نمادین	۱۷۸
رستاخیز نماد و ظهور نمادگرایی	۱۸۲
رویکرد سیستمی به هنر: فراتر از رویکردهای ذهنی و عینی	۱۸۴

فصل ۴: تاریخ هنر و تطورگرایی	۱۸۹
به انش متفاوت تاریخ هنر	۱۹۰
جهش تطوری سیستم هنر	۱۹۳
ت پویای هنر در تطور سیستمی	۱۹۷
نقش سبک در نظام سیستم هنر	۲۰۲
تفکیک بیرونی و درونی هنر	۲۰۷
تطور نظری مارکس اجتماعی هنر	۲۰۹
هنر مدرن: پارادایم جامعه	۲۱۸
ساختار رمزگذاری منطق و گانه هنر	۲۲۰
مفهوم زیبا در برابر زشت	۲۲۳
خود-برنامه‌ریزی سیستم هنر	۲۲۸
کارکرد ذوق در خود-برنامه‌ریزی هنر	۲۳۰

فصل ۵: بازتاب نظریه سیستم‌های لومان در زیباشناسی	۲۳۷
هنر به مثابه سیستمی خود-توصیف‌گر	۲۳۷
نقد تبیین‌های تقلید-محور	۲۳۹
گسستن هنر از حقیقت و ظهور پارادوکس‌ها	۲۴۳
نقش بنیادین تخیل در سیستم هنر	۲۴۶
تأمل نوپدید بر سیستم هنر	۲۴۹
زیباشناسی به مثابه خود-توصیفی هنر	۲۵۰
نقد در نظر گرفتن اندیشه زیباشناسانه به مثابه دانشی فلسفی	۲۵۲
نقد نظریه پایان هنر هگل	۲۵۷
هنر به مثابه تأمل و چشم‌پوشی از هنر	۲۶۴
مقایسه نظر لومان و دانتو در تشخیص هنر	۲۶۹
نقد لذت بی‌غرض با نفی خود-ارتباطی محض	۲۷۱
بازتاب نظریه سیستم‌ها در نقد ادبی	۲۷۴

نتیجه‌گیری	۲۸۱
الف - نظریه سیستم‌های اجتماعی	۲۸۱
ب - نظریه سیستمی هنر	۲۹۰
کتابنامه	۳۰۹
واژه‌نامه	۳۱۵
نمایه	۳۲۷

پیشگفتار

پس از آشکار شدن جای خالی پژوهش هنر از یک منظر اجتماعی، سنت مارکسیستی در اوایل سده بیستم برای نخستین بار به موضوع مناسبت میان هنر و جامعه پرداخت. سپس، در تاریخ اجتماعی هنر، پرسش از جایگاه هنر در جامعه مطرح شد، و از آن پس با در نظر گرفتن هنر به سان جامعه‌ای تُرد، توجه اندیشمندان به کنش‌های متقابل کنشگران یعنی تولیدکنندگان، منتقدان و مصرف‌کنندگان آثار هنری موقوف شد. با این همه، پرسش‌های بسیاری دربارهٔ چیستی هنر و مناسبت آن با جامعه، به ویژه جامعه مدرن، همچنان مطرح است. امروزه، پژوهش هنر به دلیل افزایش پیچیدگی جامعه مدرن (جامعه جهانی) در عصر اطلاعات و ارتباطات مستلزم تغییر در روش‌های پژوهش به نوع میان‌رشته‌ای آن است، چرا که کارکردها با مدرن شدن جوامع، نه یکبارگی از شرایط آن ورود به آستانه پیچیدگی و افزایش تخصصی‌سازی سیستم‌های اجتماعی در محدوده کارکردهای مشخص است، تحت تأثیر تطور درونی و ارتباطات سیستم‌ها قرار گرفته‌اند، ارتباطاتی که انسان فقط بخشی از آن است و دیگر عاملیت فقط از آن او نیست بلکه میان عناصر مختلف سیستم تقسیم شده است. بر این اساس، برای تحلیل رفتار سیستم دیگر نمی‌توان از منظری اومانستی و فراسیستمی که به دامان نیرو یا موجودی بیرون از سیستم پناه می‌برد استفاده کرد. در این شرایط، موضع و چشم‌اندازی درونی که رفتار سیستم را از درون و از منظر خود سیستم مطالعه کند کارگشا است.

نظریه سیستم‌ها معرف و مدافع چنین چشم‌اندازی است. سیستم، مفهومی نوظهور در علوم اجتماعی است که تحولی عظیم در شیوه‌های تفکر ایجاد کرده است و به سان ابرنظریه‌ای با مقایسه موجودات گوناگون به تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر چشم دوخته است.

نظر به روابط متقابل و پیچیده اجزای سیستم‌ها، هر سیستمی را باید با نظر به دآن و پیچیدگی خاصش مطالعه کرد: این همان رویکرد سیستمی است که تلاش می‌کند با ترکیب، تجربه و کارکردگرایی کارایی نظریه سیستم‌ها را تا حد یک الگو برساند.

رویکرد سیستمی نویدبخش ظهور روش‌شناسی نوینی است که به مطالعه موضوعات مختلف در قالب سیستم می‌پردازد. این رویکرد باعث رواج بسیاری از مفاهیم و اصلاحات رشته‌های دیگر در بررسی مناسبات انسان و جامعه شده و همچنین سبب تغییر جهت مطالعات به سمت ایده‌ها و مسائل میان انسان و جامعه شده است.

اما این رویکرد خود ریشه در تفکر ارگانیستی دارد، تفکری که خود زمانی سبب افول تفکر جزءنگرانه و مکانیکی در علوم طبیعی شد. در واقع، «نظریه عمومی سیستم‌ها» با به کارگیری تفکر ارگانیستی، زیست‌شناسی توسط لودویگ فون برتالنفی و فهم دامنه وسیع شمول آن شکل گرفت و با مطالعات تالکوت پارسونز و وام‌گیری عناصری از دانش و نظریه اطلاعات و سایبرنتیک این اندیشه وارد مطالعات اجتماعی شد و سپس با بسط آن توسط نیکلاس لومان وارد عرصه پژوهش هنر شد.

توفیق نیافتن رویکردها و نظریه‌های پیشین در بیان حقیقت هنر، لومان را به رها ساختن سنت غربی جامعه‌شناسی واداشت و او را به رویکرد سیستمی در مطالعه جامعه و هنر سوق داد. لومان، با اعتقاد به اینکه رویکردها و مکاتب صاحب‌نام در واقع امکان متفاوت دیدن و اندیشیدن را از انسان سلب می‌کنند، از توسل به یک رویکرد خاص امتناع ورزید. امتیاز فرارویکرد بودن اندیشه

لومان در این است که هیچ چیز آرمان او برای ایجاد دستگاه مفهومی نوین و دستیابی به زبانی مشترک در مطالعه واقعیت‌های اجتماعی گوناگون را محدود نساخت.

تفاوت نگاه لومان با سایر جامعه‌شناسان نخست در تلقی خاص او از جامعه به مثابه سیستمی فراگیر و دیگر در فاصله گرفتن از پارادایم جزء و کل در تعریف سیستم است. در تلقی او، ارتباطات و مناسبات عناصر درونی هر سیستم امور آن را پیش می‌برند. از این رو، رفتار سیستم نوعی رفتار نوپدید و پیش‌بینی‌ناپذیر است و بنابراین دیگر نمی‌توان تحولات ساختاری جامعه را به حساب فرد یا گروهی خاص گذاشت.

در واقع لومان در راستای اندیشیدن در باب مدرنیته به تحولات ساختاری سیستم‌ها توجه کرد. در این طریق به معرفی نوین از جامعه و شرایط حاضر آن، که تحقق اصل تفکیک کردی در ساختار اجتماعی‌اش آن را از جوامع پیشامدرن کاملاً متمایز ساخته است، دست یازد. بنیان‌های معرفتی چنین جامعه‌ای در درون جامعه و نکته آخر سیستم‌های آن یعنی حقوق، سیاست، اقتصاد، علم، آموزش، دین، هنر و غیره است. خرده‌سیستم‌ها نه به صرف وجود افراد انسانی بلکه به دلیل وجود ارتباط میان افراد یا عناصرشان شکل می‌گیرند.

نظریه سیستم هنر لومان به اندازه‌ای گسترده است که هم توان آن را در حاشیه قرار داد و به آن بی‌توجه بود. این نظریه در نوع خود پژوهش نوینی است که به طرزی هوشمندانه نقد نظریه‌های هنر پیش را در خود حل کرده، بررسی تطبیقی چهار جنبه اساسی سیستم‌ها با یکدیگر - یعنی ساختار، کاربرد، فرایند معناسازی (تحلیل یا پردازش اطلاعات) و هدف - و، به ویژه، بررسی نسبت هنر و انسان، که از تقابل آن دو نیز می‌کاهد، نوآوری این نظریه است.

در کتاب حاضر، درصدد معرفی این نظریه در کسوت الگوی فکری مناسب هستیم که منظری نوین برای مشاهده فعالیت یا سازوکار هنر از درون هنر

می‌گشاید، منظری که نگاه از بالا به پایین و دیدگاه اومانستی را کنار می‌گذارد و نشان می‌دهد که هنر از انسان هستی می‌گیرد نه چستی.

از آنجا که هنر بر ارتباطات میان سوژه‌ها و ابژه‌ها مبتنی است، دیگر نمی‌توان تجربه هنری و زیباشناختی را صرفاً فرع و تابع ادراک و ذهنیت انسان در نظر گرفت. در ادامه ملاحظه خواهیم کرد که چگونه با چنین نگرشی سوژکتیویسم تا حد بسیار زیادی کنترل می‌شود، با وجود عقلانیت سیستمی، عقلانیت انسانی دیگر تنها عامل وقوع مدرنیته و تحولات ساختاری حاصل از آن نیست. با این وصف، آیا می‌توان آینده جامعه و هنر را پیش‌بینی کرد؟

در شرایط پس‌پس‌ناپذیری، بهترین وضعیت آن است که نظریه‌پردازان به شناخت شرایط دشواری هنر بپردازند؛ آنان نمی‌توانند حدس بزنند چه آینده‌ای در انتظارشان است. اگر سیستمی نظرگاه منتقدان هنری را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد، چه بسا بخشی از این تأثیر را بتوان در همپوشانی نقد و امر زیباشناختی مشاهده کرد. سودگردان سیستم هنر، عامل اصلی گسترش قلمرو هنر از طریق انقلاب در فرم و مفهوم آن است. نمونه‌ای از این امر را در کارهای مارسل دوشان و حتی در ادبیات ایزورد می‌توان دید.

به نظر می‌رسد دیگر نباید تحولات ساختاری هنر را به نبوغ فردی هنرمند یا به سبک و مکتبی خاص نسبت داد. مناسبات تولید، اجتماعی و زیباشناختی در هنر مستقل از خواست هر شخصی است و دیگر با مطالعه آن یا حتی چند اثر هنری خاص هم کار پژوهش پیش نمی‌رود، مگر اینکه به ارتباط و نسبت آن با سیستم هنر به مثابه یک کل توجه شود.

معرفی نظریه سیستم هنر با توجه به جنبه‌های کاربردی آن می‌تواند برای ما جذاب باشد، به ویژه، از این حیث که با کاربرد آن می‌توان روند تطور هر یک از انواع هنر را در قالب خرده-خرده سیستم بررسی کرد، مثلاً می‌توان تحولات ساختاری ادبیات و نحوه شکل‌گیری ژانرهای گوناگون ادبی یا ساختار نقاشی و روند شکل‌گیری سبک‌های مختلف نقاشی را به صورت سیستمی مطالعه کرد.

سعی لومان در این زمینه و همچنین سعی او برای پرهیز از هرگونه جزءنگری، وابستگی فکری، مطلق‌انگاری و تحویل‌گرایی در مطالعه هنر شایسته توجه فراوان است. برای توفیق در ارزیابی نظریه او، پیش از هر چیز مقدمه به بیان ویژگی‌های اندیشه سیستمی و تحولات تاریخی آن و روند ظهور سه موج اندیشه سیستمی در علوم اجتماعی؛ فصل اول به فلسفه پیچیدگی مبانی نظری و مهم‌ترین مفاهیم محوری نظریه سیستم‌های اجتماعی؛ فصل دوم به توانایی‌ها و نحوه عملکرد سیستم‌های اجتماعی؛ فصل چهارم به تطور سیستمی در جریان خوارس و تفاوت تاریخ هنر، عوامل مؤثر در تطور سیستمی و کارکرد اجتماعی هنر و سرانجام فصل پنجم به زیباشناسی سیستمی، نقد نظر برخی صاحب‌نظران این حوزه پرداخته و در پایان نیز گزارش مختصری از نقد ادبی سیستمی آمده است.

از آنجا که تاکنون هیچ‌یک از آثار لومان به فارسی ترجمه نشده است، مطالعه هنر از منظر سیستمی در ایران چندان شناخته شده و مطرح نیست. اما نظر به اهمیت و جنبه‌های کاربردی آن، اینجانب به پیشنهاد استاد محترم آقای دکتر مجید اکبری این موضوع را نخست بران رساله دکتری سپس برای تحقیق و تألیف کتاب حاضر انتخاب کردم. از این رو، شایسته است مراتب سپاس و قدردانی خود را نثار ایشان کنم که همواره مرا از راه‌های ارزشمند خویش بهره‌مند ساختند. همچنین از جناب آقای دکتر مالک حسینی نیز که با نظرهای سازنده خویش مرا در نگارش بهتر این کتاب یاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم. امید است شناخت و بحث میان‌رشته‌ای هنر شروع مناسبی برای بحث‌های کاربردی‌تر در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی هنر باشد.

مریم بختیاریان